

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان زنان ۸ مارچ (ایران- افغانستان)

۰۷ نومبر ۲۰۱۸

قطعه‌نامه سیاسی دهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارچ

در رابطه با افغانستان

خشونت علیه زنان در افغانستان چنان ابعاد گسترده ای یافته است که حتا مدیا و بلندگوهای قدرتهای امپریالیستی نیز نمی توانند آن را کتمان کنند. تنها کافی است به خبرهای مربوط به تجاوز به زنان و دختران خردسال در افغانستان که به طور سرسام آوری رو به افزایش است، اشاره کرد تا عمق و گستره خشونت لجام گسیخته علیه زنان تحت رژیم وابسته به امپریالیسم امریکا را نشان داد.

تجاوز گروهی به زنان در افغانستان به خصوص در دوره جنگ داخلی رشد کرد. نیروهای بنیادگرا و جهادی تجاوز گروهی به زنان را به مثابه یک ابزار جنگی علیه گروه های متخاصم استفاده می کردند. همچنین دزدیدن و تجاوز گروهی به دختران جوان توسط نیروهای مسلح محلی در سالهای ۹۰ شمسی معمول بود و بعد از اشغال افغانستان توسط همین گروه ها ادامه یافت. در بسیاری موارد، دخترانی که به مدرسه می رفتند و یا حجاب را به طور کامل رعایت نمی کردند، هدف قرار می گرفتند.

اینک بسیاری از گروهانگیریهها به صورت سازماندهی شده هستند؛ در بسیاری موارد دختران جوان یک خانواده به گروهان گرفته می شوند؛ و یا تجاوزات گروهی که توسط جنایتکاران صورت می گیرد؛ و در موارد زیادی ظن همکاری نیروهای پولیس محلی و نیروهای مسلح محلی و یا شرکت مستقیم آنها در آن می رود. از طرف دیگر شاهد تجاوز به زنان از جانب یکی از اعضای خانواده و یا فامیل هستیم که به ندرت گزارش می شود ولی همین تعدادی هم که گزارش شده است، نشان می دهد که ابعاد آن گسترش بی سابقه ای یافته است.

به گزارش سازمانهای حقوق بشری، بیش از نیمی از زنان زندانی را زنانی تشکیل می دهند که به خاطر جرائم "اخلاقی" در زندان به سر می برند. آنها کسانی هستند که به جرم فرار از ضرب و شتم شوهر و یا فرار از ازدواجهای اجباری و سوءاستفاده های جنسی و تجاوز در زندان به سر می برند و در اغلب موارد شاهدان این جرائم، خود مرتکبان خشونت هستند؛ بنابراین برای زنانی که هدف سوءاستفاده جنسی قرار می گیرند، راه فراری وجود ندارد. اگر به تجاوز تن دهند به جرم زنا و یا رابطه جنسی قبل از ازدواج محکوم به زندان شده و از جامعه طرد می شوند. اگر از اذیت و آزارهای جنسی فرار کنند متهم به رفتار غیراخلاقی شده و به زندان افکنده و عامل دیگری برای

"رسوائی" شان در جامعه می شوند؛ بنابراین زنان قربانی خشونت از هرگونه خشونت بگریزند به دام دیگری می افتند. کسانی که از اذیت و آزارهای شوهر فرار می کنند، به دام مردانی می افتند که به آنها به صورت گروهی تجاوز می کنند. اگر بخواهند به خاطر تجاوز به پولیس شکایت کنند، مأموران پلیس ممکن است به آنها تجاوز کنند. چنین نمونه ای در ولایت بلخ اتفاق افتاد: "مریم دختر ۱۸ ساله ای با زور اسلحه ربوده و به خانه دیگری منتقل شد. در آنجا او توسط رباینده اش مورد تجاوز قرار گرفت؛ اما هنگامی که او با پدرش به ایستگاه پولیس رفت تا از این تجاوز شکایت کند، رئیس پولیس ولسوالی به پدرش گفت که بیرون بایستد و به دختر جوان در دفترش تجاوز کرد" (abc.net/news- 8 Nov 2016)

به خاطر شرایط اجتماعی و همچنین عدم وجود حمایت‌های قانونی و بی عملی دستگاهه ای دولتی از جمله پولیس و بدتر از همه عملکرد زن ستیزانه آنها اکثریت وسیعی از زنان تجاوز به خود را گزارش نمی کنند و حتا از خانواده های خود پنهان می کنند و به مراجع قانونی مراجعه نمی کنند. چراکه در صورت رجوع، مجرم شناخته می شوند. به همین دلیل برای کارشناسان و آگاهان به مسائل زنان افغانستان این مسأله کاملاً روشن است که این گزارشهای هولناک در مورد تجاوز به زنان چه تجاوز گروهی و چه تجاوز توسط نزدیکان و در اجتماع تنها نمونه های معدودی است از تعداد بیشمار خشونت‌های جنسی علیه زنان و دختران افغانستان و تعداد بسیار کمتری از آن از طریق خبرگزاریهای بین المللی انعکاس داده می شود.

قدرتهای امپریالیستی که خود را رهاکنندگان زنان افغانستان معرفی می کردند، در واقع کسانی بودند که در قدرت بخشیدن به جهادی ها و بنیادگرایان افغانستان نقش اساسی داشتند در کنند. آنها و گماشتگان شان با اشغال افغانستان قرار بود زنان افغانستان را "رها" کنند در بخش هایی مثل اجازه تحصیل و کار و اشتغال که بیش از اندازه به آن می بالند، هنوز هم قادر نشده اند بخشی از امکانات و آزادی هائی را که زنان و دختران افغانستان قبل از قدرتگیری جهادپها و طالبان داشتند احیاء کنند؛ و می توان گفت به خاطر معامله گریهایشان - که به دنبال منافع خود هستند - به سختی قادر خواهند شد. کاری که آنها انجام داده اند این است که جبهه متحدی از بنیادگرایان مختلف ضد زن را مبدل به قدرت حاکمه سیاسی تحت نظر خود کنند؛ و آن دستاوردهای ناچیزی که بارها به رخ زنان افغانستان و دنیا میکشند را وجه المصلحه ای برای سازش با بنیادگرایان افراطی مثل طالبان قرار دهند. زنان همچنان در زنجیر اسارت ستم پدر/مردسالاری زندانی اند. محافظین اصلی پدر/مردسالاری نیروهای بنیادگرا و امپریالیستها هستند که علی رغم تضادهایشان در حفظ نظام ستمگرانه و زن ستیز با هم همکاری می کنند.

کلیه مناسبات سنتی، زیربنائی و مناسبات اجتماعی و همه حافظان آن از مردان خانواده گرفته تا نهادهای دولتی و قانونگذار، از پولیس و مجریان قانون گرفته تا دستگاه " عدالت " از دین و مذهب و نهادهای مذهبی گرفته تا سنت و روابط اجتماعی همه دست به دست هم داده اند تا زنجیرهای اسارت زنان را محکمتر کنند؛ و این زنجیرها را در مقابل یورش سهمناک نیروی بیدار شونده و شورشگر زنان آزاده ای که بر حقوق، نیرو و نقش خود آگاه می شوند و به جنگ با ستم می روند، حفظ کنند. دختران و زنان جوان افغانستان بیش از پیش اعمال و جنایتهای بنیادگرایان مختلف را با پوست و گوشت خود لمس کرده اند و با چشم و گوش خود مقاصد حکومت دست نشانده و سروران امپریالیست شان و وعده وعید های بی پایه و معامله گرانه آنها را دیده و شنیده اند. بسیاری از زنان در مقابل همه این نیروهای زن ستیز ایستادگی می کنند و هنجارهای موجود را می شکنند و به نیروئی خشمگین برای مناسبات پدرسالارانه مبدل می شوند. برقراری دولتی نوین که جدا از دین و مذهب و با مبارزه تا به آخر علیه امپریالیستها و دست نشانندگان، علیه کلیه نیروهای بنیادگرا مثل طالبان، داعش، جهادی و سایر مرتجعان ضد زن داخلی، با اتکاء به مردم و نیروهای مردمی

بتواند مناسبات عقب مانده، سنتهای ارتجاعی و زن ستیز را در هم بکوبد و برای جهانی بدون ستم و استثمار مبارزه کند، تنها راه و چاره اساسی است که می تواند در خدمت رهائی زنان جامعه قرار گیرد. در این راستا خشم رشد یابنده زنان، متشکل شدن آنان در تشکلات مستقل و انقلابی شان می تواند نقش تعیین کننده ای در این راه ایفاء کند

جولای ۲۰۱۸